

پیشینه ادبیات

اوستا و پهلوی

دربیک بررسی کوتاه تاریخی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علمی

از

اردشیر خدادادیان

(دکتر درایران‌شناسی)



جعفری اسلامی
کالج اسلامی
محله کوه

مرکز تحقیقات کامپیوئر علوم پزشکی

پیشینه ادبیات

اوستا و پهلوی

دریک بررسی کوتاه تاریخی

پیشینه ادبیات ایران

زبان پهلوی زمان ساسانیان را باید به جرات دنباله زبان پارتی زمان اشکانیان دانست . واژه ساسانی «پهلو» چیزی جز واژه اشکانی «پارتاو» نیست، از اینرو زبان پهلوی نوع تکامل یافته زبان پارتی است .^۱

پیشینه جمع آوری ، پرورش ، گسترش و تکمیل نوشه های اوستایی را نیز باید بترتیب متعلق به زمان اشکانیان، به ویژه محصول تلاش های بلاش اول شاهنشاه اشکانی (۵۲ - ۸۰ میلادی) دانست که در نوشه های پهلوی به ویژه دینکرد به صورت «ولخش» ذکر شده است .^۲

برخی از پژوهشگران مغرب مین جمع آوری و نونگاری باقیمانده های اوستا را به بلاش سوم پادشاه اشکانی (۱۴۸-۱۹۱) -

1— Mayrhofer : HB. S. 14 .

2— Hinz: Zarathustra, S. 14 .

میلادی) نسبت می‌دهند.^۳

سامان دادن به نوشه‌های اوستایی و حرمت به آداب و رسوم پیشین در زمان اشکانیان موقتی بود، زیرا متأسفانه همه شاهنشاهان اشکانی در این کار بزرگ شرکت نداشتند و در نوشه‌های پهلوی از آنان در این خصوص نامی برده نمی‌شود. در طی دوران زمامداری پارت‌ها - اشکانیان (از ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۲۶ پس از میلاد)، جمع‌آوری اوستا و پرورش این میراث پر ارزش به گونه‌ای نامداوم رواج داشت و از این‌رو وجود مجموعه کاملی از آثار اوستایی در زمان اشکانیان، گرچه ثابت کردن آن دشوار به نظر می‌رسد، واقعیتی انکار ناپذیر است.^۴

تحقیقات جامع و گسترده‌ای در این زمینه نمایانگر این است، که در زمان فرهاد پنجم (از ۲ پیش از میلاد - ۴ پس از میلاد مسیح) که به فرها تک معروف است، نگارش و ندیداد و تیرنگستان در سال‌های یکم و دوم میلادی بطور کامل پایان یافته است.^۵ ظهور مانی، مکتب مانویت و تبلیغات ضد زردشتی مانی و مانویان :

مانی که به مانی نقاش نیز معروف است در زمان شاهنشاهی اردوان پنجم (۷۷۲ - ۷۸۵ شاهنشاهی = ۲۱۳ - ۲۲۶ میلادی) آخرین پادشاه اشکانی، در سال ۷۷۵ شاهنشاهی (۲۱۶ میلادی) متولد شد.^۶

قیام مانی که ما آنرا آغازکار مکتب مانویت می‌دانیم در سال

3— Vologeses III, Barr: HB. S. 299, Anm.

4— Barr: HB. S. 301 + Colpe: Parther, S. 1011.

5— Colpe: WBM. S. 174.

6— Spangenberger: G. Z. N., S. 27 + 241.

۸۰۰ شاهنشاهی (۲۴۱ میلادی) یعنی هنگامیکه مانی ۲۵ ساله بود، اتفاق افتاد و این سال با آغاز شاهنشاهی شاپور اول مقارن است. شاپور اول (۸۰۰-۸۳۱ شاهنشاهی = ۲۷۲-۲۴۱ میلادی) در کشورداری خود سیاستی را که با دین آمیخته بود و در حقیقت دو عنصر لازم و ملزم یکدیگر بودند، اعمال می‌کرد.^۷

مانی به هنگام تاجگذاری شاپور کتابی بنام «شاپورکان» که خود در مدح شاهنشاه نوشته بود، تقدیم شاهکرد و شاپور چنان تحت تأثیر قرار گرفت که به مانی میدان فعالیت در زمینه اشاعه مکتب او را داد. شاپور نه تنها از مانی حمایت می‌کرد، بلکه به زروانیت نیز کمکهای شایانی نمود، که در مجموع موجب تضعیف آیین زرتشت شدند.^۸

با آنکه مکتب مانی در حد گسترده‌ای از اندیشه‌ها و فلسفه زرتشت مایه گرفته بود، معدلك مانی می‌کوشید تا مکتب زرتشت را چنان جلوه دهد، که حتی شاهنشاه ساسانی را به پیروی از مانی ناگزیر نماید.

در یک نوشته مانوی که به زبان «قبطی» نگاشته شده و به نوشته «کپالایا» معروف است، از زبان مانی درباره زرتشت چنین آمده است:

«زرادس» به نزد شاه «هیستاسپس» اوستایی «ویشتاسپا» رفت و شاگردان و پیروان مجاهد و راستین یافت و در ایران موعظه می‌کرد، ولی اکتابی ننوشت، اما شاگردان او بیانات او را به خاطر سپردند و از آنها کتابت بهایی نوشتند که پیروان زرتشت امروز آنها را می‌خوانند^۹

7— Colpe: WBM. S. 174.

۸— پیرنیا: ایران باستان، ص ۱۸۷ بیات: کلیات تاریخ و تمدن، ص ۲۲۶-۲۱۸

9— Barr: HB. S. 301

اظهارات مانی گرچه تاحدودی غیرقابل قبول است ، ولی مبین این واقعیت است که پس از مرگ زرتشت ، بیانات و اندیشه‌های او به رشته تحریر درآمده است . متن جغرافیای تاریخی ایران که به زبان پهلوی است و «شهرستانهای ایران» نام دارد چنین به آگاهی می‌رساند :

(پس زرتشت دین آورت . هژپرمان ی وشتاسب شه هزار و دوست پرگرت پت‌دین دپیوری پت تختکی ی زرین کند ات نپشت ات پت‌گنج ی هان‌آتش نیهات . ات پس (سپس) گجستک سوکندر سوخت ات اندر اوی دریا پ افگنت) .

يعنى :

سپس زرتشت دین آورد و به فرمان شاه گشتاسب ۱۲۰۰ فرگرد به نویسه (خط) دین دبیره بر تخته‌های زرین کند و نگاشت و به گنجینه آن آتشگاه نهاد . و سپس اسکندر نفرین شده آنرا سوزاندو به دریا افکند (ریخت) .^{۱۰}

بازگردیم به زبان پهلوی که نباید آنرا زبانی پنداشت که در طی تاریخ از زمان ساسانیان تا کنون وقفه‌ای در نوشتن آن وجود داشته است . اینجا باید بگوییم که در پرورش و نوشتن پهلوی خلل وجود داشته اما خلائی از نظر زمان در آن نبوده است .

از زمان ساسانیان تا آغاز سده شانزدهم شاهنشاهی (اواسط سده دهم میلادی) ایرانیان بلا انقطاع به تأثیف و نونگاری نوشته‌های پهلوی مشغول بوده‌اند و رابطه میان زبان پهلوی و اوستایی پیوسته حفظ شده است .^{۱۱}

پارسیان مقیم هندوستان حتی در سده‌های ۲۰ تا ۲۳ شاهنشاهی

10— Nyberg: A Manual of Pahlavi, P. 113.

11— Barr: HB. S. 283.

(۱۶ تا ۱۷ میلادی) به تألیف آثاری مانند روایت دستور داراب هرمزدیار، اندرز نامه‌ها و برخی دیگر از متن‌های کوتاه پهلوی پرداخته‌اند.^{۱۲}

این روایت در هندوستان به چاپ رسیده و چگونگی به وجود آمدن آن بدینقرار است:

آندهسته از پیروان آیین زرتشت که پس از حمله اعراب به هندوستان رفتند و در آنجا مقیم شدند و امروز به پارسیان معروفند، آگاهیهای خویش را درباره آداب و آیین و مراسم مذهبی حفظ کرده و بعدها توانستند در اینگونه موارد به همکیشان خودکه در ایران مانده بودند و قسمت اعظم اطلاعات مذهبی خود را فراموش کرده بودند، یاری دهند. اینگونه اطلاعات اصولاً در باره مراسم سوگواری، کفن و دفن مردگان، گهنه‌بارها، جشن‌های کوچک و بزرگ، مراسم عروسی و ... است. زرتشتیان مقیم ایران به وسیله نامه از پارسیان مقیم هندوستان پرسش‌هایی در این خصوص می‌کردند و پارسیان به استناد سنن باستانی که هنوز تا حدود قابل ملاحظه‌ای در میان آنها معمول است و نیز به یاری نوشته‌هایی مانند وندیداد، سدر و شایست نشایست و روایت پهلوی و آگاهیهای روحانیون صاحب‌نظر، به این پرسش‌ها پاسخهایی می‌دادند. مجموعه این پرسش‌ها و پاسخ‌ها در کتابی تحت عنوان «روایت» به زبان انگلیسی به نام «روایت دستور داراب هرمزدیار» و بعدها به فارسی تحت عنوان «روایت پارسی» به کوشش دستور «دابهر» در سال ۲۴۸۱ شاهنشاهی (۱۹۳۲ میلادی) در بمبئی به چاپ رسید. این مجموعه پر ارزش در سراسر جهان مورد بهره‌گیری دانشمندان ایران‌شناس و محققین علوم دینی خاور زمین است.^{۱۳}

12— Boyce: HB. S. 359—372.

13— Boyce: HB. S. 371 Anm.

بازگردیم به زبان پهلوی و نوشه‌های آن از زمان ساسانیان تاکنون :

در زمان اردشیر با بکان (۷۸۵-۸۰۰ شاهنشاهی = ۲۴۱-۲۲۶ میلادی) تنسر روحانی پر تلاش زمان اردشیر به جمع‌آوری و نونگاری نوشه‌های دینی همت‌گماشت.

شرح پیروزی شاپور اول پس اردشیر با بکان در کتیبه‌ای به نام کتیبه پیروزی شاپور بر رومیها تحت عنوان اروپایی (Res Gestae Divi Saporis) در سال ۸۱۹ شاهنشاهی (۲۶۰ میلادی) در کعبه زرتشت منعکس است.^{۱۴}

در زمان بهرام اول (۸۳۵-۸۳۲ شاهنشاهی = ۲۷۶-۲۷۳ میلادی) کتیبه معروف کرتیر نگاشته شد.^{۱۵}

پس از قتل مانی که در سال ۸۳۵ شاهنشاهی (۲۷۶ میلادی) در زمان بهرام دوم ۸۵۲-۸۳۵ شاهنشاهی (۲۹۳-۲۷۶ میلادی) روی داد^{۱۶}، بار دیگر تلاشی پی‌گیر در زمینه پیشبره نوشه‌های اوستایی و پهلوی آغاز شد و گنجینه ادبیات مزدیسنا دوباره سامان و رونق گرفت.

در زمان نرسی (۸۵۲-۸۶۱ شاهنشاهی = ۳۰۲-۲۹۳ میلادی) کتیبه «پایکولی» در سال ۸۵۲ شاهنشاهی (۲۹۳ میلادی) نوشته شد. در سال ۸۵۶ شاهنشاهی (۲۹۷ میلادی) یعنی در چهارمین سال شاهنشاهی نرسی در سرزمین روم اقدامات دامنه‌داری علیه مکتب مانویت به وقوع پیوست. این اقدامات به اقدامات «دیوکلتیپی»

14— Colpe: WBM. S. 175.

15— Colpe : WBM. S. 175.

16— بهرام دوم فرمان داد تا مانی را زنده پوست کندند و جلد او را با کاه و علوفه خشک پر کرده و بر دروازه شهر گندیشاپور برای مشاهده عام آویختند — پیر نیا : ایران باستان ص ۱۸۷.

معروفست و در زمان دیوکلتیان امپراطور روم (۸۰۷—۸۶۴) شاهنشاهی = ۲۴۸—۳۰۵ میلادی) بوقوع پیوسته است.^{۱۷} در سالهای ۸۷۱ و ۸۷۲ شاهنشاهی (۳۱۲ و ۳۱۳ میلادی) که مقارن با نخستین سالهای سلطنت شاپور دوم (ذوالاكتاف ۸۶۸—۹۳۸) شاهنشاهی = ۳۰۹—۳۷۹ میلادی) است، نوشته‌ها و یا به اصطلاح نامه‌های قدیمی به زبان سغدی نوشته شد.

ظهور آدر باد مهر اسپندان در زمان شاپور دوم آغاز دیگری در پیشرفت نوشته‌های پهلوی بود. آدر باد (آذر باد) پسر مهر اسپند که به مؤلف مجموعه‌های اندرز نامه‌ها (پند نامه‌ها) معروف است، به جمع آوری و نوونگاری اوستا و بسیاری از نوشته‌های پهلوی پرداخت و برای ثبوت درستی کار خویش و صحت محتوای نوشته‌های اوستایی اجازه داد که سرب گداخته را بر روی سینه عریان او بربزند و جان سالم به در برد و روایت است که هیچ‌گونه آسیبی به او وارد نیامده است.^{۱۸}

پس از سالهای ۹۳۰ و ۹۳۱ شاهنشاهی (۳۷۱ و ۳۷۲ میلادی) زرتشت پسر آدر باد پند نامه‌ای تحت عنوان :

Citak Handarz i Pouryufkesan , Pand—Namak i Zartust

که به پند نامه زرتشت معروف است نوشت .^{۱۹}

پیشرفت ادبیات پهلوی به پشتیبانی آدر باد پور زرتشت یعنی نوء آدر باد مهر اسپندان در زمان یزدگرد اول که از ۹۰۸ تا ۹۵۸ شاهنشاهی (۳۹۹ تا ۴۲۱ میلادی) شاهنشاه ساسانی بود کما کان تقویت می‌شد، ولی مهر نرسی که به «وزیر مهر نرسی» معروف است در آن زمان

17— Colpe : WBM. S. 175

18— Hinz :Zarathustra, S. 17

19— Nyberg ; A Manual of Pahlavi, P. 62—67

به تبلیغ و اشاعه زروانیت پرداخت و این روش تازمان یزدگرد دوم (۹۹۸-۱۱۶ شاهنشاهی = ۴۳۹-۴۵۷ میلادی) ادامه داشت.^{۲۰}

با جنبش مزدک پسربامداد در زمان قباد پور پیروز (کوات پیر و زان ۱۰۴۷-۱۰۹۰ شاهنشاهی = ۴۸۸-۴۳۱ میلادی) بار دیگر پیشرفت در زمینه های مختلف ادبیات ایران باستان رو به ضعف نهاد و گرویدن قباد به مکتب مزدک و میدان دادن به مزدک برای فعالیت و تقویت کردن مکتب خود، نابسامانی و آشفتگی برگنجینه نوشه های پهلوی سایه افکند و بی توجهی شاه نسبت به آیین زرتشت و پیروان این آیین روز بروز فزونی می یافت.^{۲۱}

در زمان خسرو اول معروف به انوشیروان پور قباد (خسرو کواتان ۱۰۹۰-۱۱۳۸ شاهنشاهی = ۵۷۹-۵۳۱ میلادی) زرتشتیگری دوباره احیاء شد.^{۲۲} (Endgültige Reform des Zoroastrismus)

در زمان انوشیروان ترجمه پهلوی از متن های اوستایی مانند یسناها (ودر قالب آنها گائاشها) و برخی از یشتها و وندیداد و نیرنگستان به پایان رسید. در این باره نوشه های پهلوی دینکرد (کتاب ۷۹) به تفصیل به ما آگاهی می دهد.^{۲۳}

در زمان خسرو عادل تقسیم بندی اوستا به ۲۱ نسخه واستقرار آنها در کانون معتبری تحت سپرستی یک روحانی به نام «ویشاپور» تحقق یافت.^{۲۴}

نوشه های پهلوی «مینوخرد» و نامه «تنسر» در پایان شاهنشاهی

20— Colpe : WBM. S. 175

21— Colpe : WBM. S. 176

22— Colpe : WBM. S. 176

23— Colpe : WBM. S. 176

24— Colpe : WBM. S. 176

انوشهیر و آن نگاشته آمد .^{۲۵}

در زمان هر مز چهارم (۱۱۳۸-۱۱۴۹) شاهنشاهی = ۵۷۹-۵۹۰ میلادی) و بهرام چوبین (بهمام ششم ۱۱۴۹-۱۱۵۰) شاهنشاهی = ۵۹۰-۵۹۱ میلادی) کتاب ششم دینکرد و مجموعه‌های دیگری از پندت‌نامه‌ها و اندرز نامه‌ها به رشته تحریر درآمد.

نوشته معروف و ارزشمند «مادگان هزار دادستان» که به قول پروفسور بارتولومه کتاب قانون زمان ساسانیان است در زمان خسرو دوم ملقب به پرویز (۱۱۴۹-۱۱۸۷) شاهنشاهی = ۶۲۸-۵۹۰ میلادی) تألیف شد.^{۲۶}

در زمان هرمن پنجم (۱۱۸۹-۱۱۹۱) شاهنشاهی = ۶۳۰-۶۳۲ میلادی) ویزدگرد سوم آخرین شاهنشاه ساسانی (۱۱۹۱-۱۲۱۰) شاهنشاهی = ۶۳۲-۶۵۱ میلادی) نوشته پر اهمیت «خداينامه» و کارنامه اردشیر با بکان بنيانگذار شاهنشاهی ساسانی نوشته شد.^{۲۷}

نوشته پهلوی کارنامه اردشیر با بکان هنوز موجود است ولی خداينامه از میان رفته است . خداينامه توسط ابن‌متفع در سال ۱۳۱۸ شاهنشاهی (۷۵۹ میلادی) به عربی ترجمه شده و ترجمه عربی واصل آن از بین رفته است.

در سال‌های ۱۵۱۶ و ۱۵۱۷ شاهنشاهی (۹۵۷ و ۹۵۸ میلادی) چهارتن از پیروان زرتشت خداينامه را به فرمان یکی از بزرگان در شهر توسر با استفاده و گنجاندن منابع و نوشته‌های دیگر پهلوی که هم‌طراز و هم‌آهنگ خداينامه بود ، به فارسی امروزی ترجمه کردند - این ترجمه نيز مفقود گردیده است .

25— Colpe : WBM. S. 176 + Hinz : Zarathustra, S. 9—22

26— Colpe : WBM. S. 176

27— Colpe: WBM. S. 176.

سهمترين اثرى که از ترجمه اين مقطع موجود است، اشاره‌اي به تاریخ ساسانیان دركتاب «المعاريف» اثر ابنقطبیه و دركتاب «نظم الجوهر» اثر «اویتیخیوس» نویسنده مسيحي است.^{۲۸} نشانه‌ها و اشاراتی از خداينامه توسط مورخيني مانند ثعالبی،^{۲۹} يعقوبی، حمزه اصفهاني و فردوسی برای مابه جای مانده است.^{۳۰} طبری و مسعودی و دینوری از جمله مورخيني بوده‌اند که از ترجمه عربی اين مقطع از خداينامه پهلوی بهره‌گرفته‌اند.

فردوسی حماسه سرای بزرگ طوس بدون تردید از نوشته پهلوی خداينامه و آثار مشابه آن و یا از ترجمه عربی و فارسي خداينامه در تأليف شاهکار ادبی و حماسی خود شاهنامه، استفاده کرده است.^{۳۱} در زمان يزدگرد سوم از كتاب دينی و ارزشمند شايست نشايست فصلهای اول تا دهم نوشته شده و زند (تفسیر) و نديداد که به «پهلوی - وندیداد» معروف است و نيز تفسير نير نگستان، انجام یافته است.

تمام تأليف و تدوين نوشته‌های پهلوی در دوران اسلامی :

در حين جنگ‌های بویب (۱۱۹۴ شاهنشاهی = ۶۳۵ ميلادي) وقادسيه (۱۱۹۶ شاهنشاهی = ۶۳۷ ميلادي) و نهاوند (۱۲۰۰ شاهنشاهی = ۶۴۱ ميلادي) نوشته‌های پهلوی «ارد اوين افتابه» که بيانگرداستان شخصی است که برای آوردن خبر از جهان باقی و کم وکیف آن سرآبه مدت هفت شبانه روز به دیار باقی فرستاده شده است و متن پهلوی «آيتکار زریان» و «ویس ورامین» نوشته

28— Colpe: WBM, S. 176.

29— Colpe: Sassaniden, S. 86.

30— Colpe : Sassanides , S. 86.

شد .^{۳۱} در زمان خلافت بنی‌امیه (۱۲۰۸—۱۲۲۰) شاهنشاهی = ۶۶۱—۷۴۹ میلادی) و همنیشت (بهمنیشت) و تفسیر آن یعنی زند و هومنیسن و سوتگرنسک، جاماسپ‌نامه و «آیتکار جاماسپیک» تألیف شد .^{۳۲}

پس از حمله اعراب به این‌ان و مهاجرت برخی از پیروان دین زرتشت به هندوستان (در نیمه دوم سده سیزدهم شاهنشاهی برا بر نیمة اول سده هشتم میلادی) هنگامی که تازیان بر تمام ایران به جز طبرستان حکومت می‌کردند ، نوشتن متن‌های پهلوی‌کماکان دنبال شد. روایت است که خاندان برمکی در سال‌های ۱۳۱۱—۱۳۶۳ شاهنشاهی (۷۰۲—۸۰۴ میلادی) در زمان عباسیان (۱۳۰۸—۱۸۱۷ شاهنشاهی = ۷۴۹—۱۲۵۸ میلادی) ، از پیروان زرتشت حمایت می‌کردند .^{۳۳}

پس از سال ۱۳۳۴ شاهنشاهی (۷۷۰ میلادی) نوشته معروف «شهرستانهای ایران» که یک متن پرارزش درباره جغرافیای تاریخی ایران بشمار می‌رود نوشته شده است .^{۳۴}

در زمان مأمون خلیفه عباسی (۱۲۷۲—۱۳۹۲ شاهنشاهی = ۸۱۳—۸۳۳ میلادی) شخصی به نام آذر فرنگ پور فرخزاد کتاب سوم و پنجم دینکرد و متن پهلوی «گجستک اباليش» را نوشت و پس از آن «آدر باد امدان» در سال ۱۴۴۰ شاهنشاهی (۸۸۱ میلادی) تمام نوشته دینکرد را به صورت مجموعه‌ای کامل تدوین و نویگاری کرد .

31— Colpe: WBM.S. 176.

32— Colpe: WBM. S. 176.

33— Colpe: WBM. S. 177.

34— Nyberg: A Manual of Pahlavi, 113—117. Colpe: WBM. S. 177.

در زمان المعتصم (۱۴۵۱ – ۱۴۶۱ شاهنشاهی = ۸۹۲ میلادی) منوچهر برادر زاتسپرام پیشوای دینی، کتاب «دادستان دینیک» را نگاشت. در همان زمان کتاب «ویچیتکیهای زاتسپرام» به وسیله برادر او تألیف شد.^{۳۵}

در زمان طاهریان (۱۳۸۰ – ۱۴۰۴ شاهنشاهی = ۸۲۱ میلادی) کتاب «شکنگمانیک و یچار» به وسیله شخصی به نام «مردان فرخ اهورمزدان» نوشته شد. در زمان صفاریان (۱۴۲۰ – ۱۴۰۹ شاهنشاهی = ۹۰۰ میلادی) کتاب «بندهشن» یعنی اساس آفرینش به استناد و با استفاده از مآخذ و یادداشت‌ها و نوشته‌های پیشین به رشته تحریر درآمد.^{۳۶} در نیمه دوم سده ششم شاهنشاهی (نیمه اول سده اول میلادی) و به روایتی از نیمه اول سده پانزدهم شاهنشاهی (نیمه دوم سده نهم میلادی) ۱۴۲۳ – ۱۵۶۴ شاهنشاهی = (۸۶۴ – ۱۰۰۵ میلادی) کتاب «روایت پهلوی» و نوشته «امداشاوهیشتون» در زمان ساما نیان که خود را از رتشتی واز فرزندان ساسانیان می‌دانستند، نوشته شد.^{۳۷} نوشته‌های کوچک و بزرگ دیگری مانند «داروی خورسندي»، زندگینامه گرشاسب (Legend of Kurusaspa) و متن‌هایی درباره حکمت و نجوم و آینده‌شناسی و «ویچرشن چتر نگ» و درخت آسوریک به زبان و خط پهلوی تالیف شد. برخی از آندرز نامه‌ها مانند پند نامه انوشیروان پور قباد (Handarz Namak i Anusak ruvan Kvatan)

رانیز مربوط به سده‌های ۲۱ تا ۲۳ شاهنشاهی (۱۷۱۵ میلادی)

35— Colpe: WBM., S. 177.

36— Colpe: WBM. S. 177.

37— Colpe: Sassaniden, S. 86.

۲۸ می‌دانند.

یکی از نوشه‌های معروف و معمول در میان زرتشتیان ایران و پارسیان مقیم هندوستان نوشته سدر است. از این نوشه درباره عادات و آداب و آیین‌های دینی در برگزاری مراسم مختلف بهره‌گرفته می‌شود. محتوای سدر بیشتر درباره مراسم کفن و دفن، پرورش آتش و آب و گیاهان، آداب و رسوم دیگر دینی و وظائف پیروان زرتشت از کودکی تا پایان زندگی، توصیه در امر بخشش و جوانمردی و پرهیز از دروغ و آزردن جانوران سودمند و عناصر گرامی در آیین زرتشت (مانند: آب، آتش، باد، خاک) وغیره است.

مطلوب سدر چکیده‌ای از مطالب وندیداد و شایستنشایست و دیگر منابع همطر از وهم آهنگ دینی است.

پیشینه سدر را به زمان ساسانیان و به آدر بادمehr اسپندان روحانی زمان شاپور دوم نسبت می‌دهند. روایت است که بعد از آدر باد، پسر او زرتشت در پرورش و تکمیل این اثر مهم همت‌گماشت در دوران سلجوقیان (۱۵۹۷-۱۷۴۵) شاهنشاهی = ۱۱۸۶-۱۰۳۸ میلادی) شاهزادگان سلجوقی که بیشتر نامهای ایرانی (زرتشتی به ویژه مربوط به زمان ساسانیان) داشتند، در پرورش و نونگاری این نوشه مهم همت‌گماشتند و این وظیفه را به نحو احسن انجام دادند سدر دردو بخش، سدر نظم و سدر نشر که دارای یک محتوا و بخش دوم سدر بنده‌شن است که از کتاب اساس آفرینش که به خط پهلوی بود تقسیم شده است. در بسیاری از موارد (درها یا بندها) مطالب سدر نش و سدر بنده‌شن هم آهنگی وجود دارد.

۲۸- آذرگشسب : اندرزنامه ص ۱۵-۱۷

توضیح برای پانویس شماره (۱) : زاتسپرام و متوجهر دو پیشوای دینی زرتشتی در هیرکان (گرگان) و کرمان بوده‌اند. زمان زندگی آنها را بین نیمه اول سده پانزدهم شاهنشاهی (نیمه دوم سده نهم و ربیع آخر سده شانزدهم شاهنشاهی) (ربع اول سده دهم میلادی) گزارش کرده‌اند.

مانند دوم برای پانویس شماره ۴ Nyberg: A Manual of Pahlavi, P. 31, 92, 118

سرگرد مراد اورنک در کتاب خود تحت عنوان «سددر» به تفصیل درباره سرنوشت و پیشینه این کتاب و تلاش‌های پارسیان در نگهداری و پرورش آن سخن گفته و آنرا از فارسی - گجراتی به فارسی امروز برگردانده است.

منابع و مأخذ

- 1— Christian Bartholomae: Altiranisches Wörterbuch, Strassburg 1904.
- 2— Kay Barr: Die Religion der alten Iranier, in: Handbuch der Religionsgeschichte, Band 2, Gottingen 1972.
- 3— W. Brandenstein + M. Mayrhofer: Handbuch des Altpersischen, Wiesbaden 1964 .
- 4— Carsten Colpe: Überlegungen zur Bezeichnung «Iranisch» für die Religion der Partherzeit, in : ZDMG, suppl. 1, Teil 3, S. 1011—1029.
- 5— Carsten Colpe: Sassaniden, in: Lexikon der Islamischen Welt, Band 3 1974. S. 85—86.
- 6— Carsten Colpe: Wörterbuch der Mythologie, Lieferung 12, Stuttgart 1975.
- 7— Mary Boyce: Der späte Zoroastrismus, in: Handbuch der Religionsgeschichte Band 2, Gottingen 1972, S. 359—372.
- 8— W. Hinz: Zarathustra, Stuttgart, 1961.
- 9— A. Khodadadian: Abzohr und Ataszohr, in : Wörterbuch der Mythologie, Lieferung 12, Stuttgart 1975, S. 228—229.
- 10— Henrik—Samuel Nyberg: A Manual of Pahlavi, Wiesbaden 1964.
- 11— Ursula Schelme — Spangenberger: Geschichte zum Nachschlagen, Köln und Braunschweig, 1969.

۱۲— اردشیر آذرگشسب: اندرز نامه های پهلوی، تهران ۱۳۵۲ شاهنشاهی
برابر ۲۰۲۶ خورشیدی

۱۳— مشیرالدوله ، حسن پیرنیا : تاریخ ایران باستان ، جلد اول ۱۴۹۱ شاهنشاهی (۱۳۱۱ خورشیدی)

۱۴— عزیزالله بیات: کلیات تاریخ و تمدن ایران بیش از اسلام، تهران ۱۳۵۵ شاهنشاهی چاپ دانشگاه ملی ایران

توضیح درباره علامتهای اختصاری منابع و مأخذ در پانویس‌ها :

HB = Handbuch (Handbuch der Religionsgeschichte Band 2 Gottinge, 1972.)

WBM = Wörterbuch der Mythologie, Stuttgart 1975 (Lieferung 12).

G. Z. N. = Geschichte zum Nachschlagen, Köln und Braunschweig, 1969.

Anm. = Anmerkung.